

روش حیری نیشابوری در الکفایة فی التفسیر

Shahpasand@Quran.ac.ir
molaii_zahra@yahoo.com

کچھ الہہ شاہ پسند / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
زہرا ملایی عشق آباد / کارشناس ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دریافت: ۹۸/۲/۱۱ پذیرش: ۹۸/۶/۱۰

چکیده

«الکفایة فی التفسیر» یا «کفایة التفسیر» اثر حیری نیشابوری (د. ۴۳۱) مفسر، محدث، مقرئ و فقیہ شافعی قرن پنجم نیشابور است. شناخت دقیق تر این تفسیر، به لحاظ جایگاهی که در میراث علمی نیشابور دارد، مهم است؛ چراکه بازه زمانی تألیف آن، عصری ممتاز در تاریخ علمی، سیاسی و مذهبی نیشابور است. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با هدف روش شناسی این تفسیر، سه نسخه خطی موجود از کفایة التفسیر را محور قرار داده و پس از مقایسه ای مختصر با الکشف والبیان ثعلبی نیشابوری (د. ۴۲۷) که تفسیری روایی دانسته می شود، به این نتیجه رسیده که تفسیر حیری را تنها می توان ذیل تفاسیر جامع طبقه بندی کرد. استفاده توأمان از آیات و روایات که به شکل های متنوعی در فهم آیه به کار رفته اند، توجه به آراء تفسیری مفسران متقدم و یا معاصر با نویسندہ، برخورداری از رویکردهای کلامی و ادبی و نیز توجه خاص به قرائات، از ویژگی هایی بارز این تفسیرند. همچنین تفصیل در تفسیر آیات کلامی، نشان دهنده واکنش بویای مؤلف به فضای گفتمانی عصرش و نیز نوع واکنش های علمی اشاعره به عقاید کرامیه و معتزله در قرن چهارم است.

کلیدواژه ها: اسماعیل بن احمد حیری، کفایة التفسیر، روش تفسیر، رویکردهای تفسیری، نیشابور، ثعلبی.

مقدمه

ابوعبدالرحمن اسماعیل بن احمد بن عبدالله حیری نیشابوری (۳۶۱-۴۳۱)، مفسر، محدث، مقری و فقیه شافعی مذهب، اشعری مسلک و زاهد قرن پنجم نیشابور، صاحب تصانیف مشهوری در علوم قرآن، قرائت، حدیث، اخلاق و تفسیر است (صریفینی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۶؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۴۶). یکی از مهم‌ترین آثار برجای‌مانده حیری، *کفایة التفسیر* یا *کفایة فی التفسیر* است. یادکرد دقیقی از نام و محتوای آثار حیری در کتب تاریخ و تراجم مشاهده نمی‌شود. اما مقدمه مؤلف در دو مورد از آثار برجای‌مانده وی، اطلاعات بهتری به دست می‌دهد. وی در آنجا علاوه بر نام، ترتیب تألیف آثارش را نیز مشخص کرده است. او در کتاب *وجوه القرآن* شش اثر، که آخرین آنها همان *وجوه القرآن* است، و در مقدمه *اسماء من نزل فیهم القرآن* پانزده اثر را که تا زمان تألیف کتاب پیش گفته به نگارش درآورده، نام برده است: ۱. کتاب *الوقوف/ تذکرة الوقوف*؛ ۲. *عنوان التفسیر*؛ ۳. *مثلث الواعظین*؛ ۴. *کتاب التنزیل*؛ ۵. *معانی اسماء الرب/ معانی اسماء الله*؛ ۶. *کتاب الوجوه/ کتاب الاوجه*؛ ۷. *کتاب الفروز فی سواد الحروف*؛ ۸. *تاریخ المورخ*؛ ۹. *کتاب الفریضة والسنة*؛ ۱۰. *علل عدد الای*؛ ۱۱. *تفصیل مذهب القرآن فی عدد الای*؛ ۱۲. *علل القراءة السبع*؛ ۱۳. *علل قراءة ابی عمرو*؛ ۱۴. *علل قراءة عاصم*؛ ۱۵. *اسماء من نزل فیهم القرآن* (حیری، ۲۰۱۱، ص ۷۷؛ حیری، ۱۴۲۲ق، ص ۵۴). تنوع آثار حیری بیانگر مرتبه علمی و تبحر او در شاخه‌های مختلف لغت، قرائت، حدیث، وعظ، تفسیر و فقه است.

بازه زمانی که حیری *کفایة* را در آن تدوین کرده است، به جهت حضور کرامیه و معتزله در نیشابور دوره ای حساس در تاریخ علمی، سیاسی و مذهبی این دیار است، از این رو، روش‌شناسی این تفسیر، به لحاظ نقشی که در شناخت میراث کهن نیشابور دارد، دارای اهمیت است. نقل‌های ابوحنیفان/اندلسی (د، ۷۴۵) از تفسیر حیری نیز نشان می‌دهد که در قرن هشتم، آوازه این تفسیر به مصر، اقامتگاه ابوحنیفان رسیده است؛ این مسئله نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه تفسیر حیری در سنت تفسیری دوره میانه است. مقاله حاضر می‌کوشد از رهگذر روش‌شناسی تفسیر حیری، درباره یکی از حلقات به‌هم‌پیوسته سنت تفسیری، شناخت بهتری به دست دهد. به این منظور، سه نسخه خطی *کفایة* را منبع اصلی خود قرار داده و به شناسایی روش حیری در این اثر روی آورده و به طور همزمان، مقایسه‌ای اجمالی با تفسیر *الکشف والبیان* ثعلبی (۳۴۰-۴۲۷) عالم

هم‌عصر و هم‌دیار حیری داشته است.

به عنوان پیشینه، باید به اثر محمد عبوس ستار اشاره کرد. وی در سال ۱۹۷۷م مقاله ای درباره *کفایة التفسیر* به نگارش درآورد و به معرفی تفسیر حیری براساس نسخه کوبریلی پرداخت. او *کفایة التفسیر* را برخوردار از مؤلفه‌های تفاسیر روایی (توجه به اسباب نزول، داستان‌های قرآنی، قرائت، مکی و مدنی، و احادیث نبوی) و نیز تفاسیر اجتهادی (توجه به لغت و زبان‌شناسی، ارتباط آیات، دیدگاه‌های فقهی، و رد دیدگاه‌های معتزلی در دفاع از مکتب اشعری) دانسته است (ستار، ۱۹۷۷، ص ۱۲۰-۱۲۳). ستار در این قسمت، کمتر به ارائه شواهدی از متن پرداخته، اما در ادامه مقاله، دو مثال نسبتاً مفصل از سوره‌های «دخان» و «مجادله» را از متن تفسیر ذکر کرده و به یادکرد نکاتی پیرامون این مثال‌ها اکتفا کرده است (همان، ص ۱۲۳-۱۲۷). نویسنده در این مقاله، مقایسه‌ای اجمالی بین تفسیر طبری و تفسیر حیری داشته و دلیل گزینش تفسیر طبری را سهولت دسترسی به آن بیان کرده است. این مقاله چند سال بعد در جای دیگری بازنشر شده است (ستار، ۱۹۹۴). تفاوت مقاله حاضر با پیشینه اش، ساختار متفاوت، تفصیل بیشتر، ارائه مثال‌هایی از متن تفسیر ذیل هر مبحث، بهره‌گیری از نسخه آستان قدس رضوی علاوه بر نسخه کوبریلی، و مقایسه اجمالی تفسیر حیری با تفسیر ثعلبی است، که هم‌عصر و هم‌دیار حیری است و به دلیل اشتراک در فضای علمی - فرهنگی و نیز استادان مشترک با حیری، گزینه مناسبی برای این مقایسه است.

سؤال اصلی عبارت است از: حیری چه روشی را برای تفسیر قرآن به کار گرفته است؟

سؤال‌های فرعی بدین قرارند: (۱) اوضاع علمی، فرهنگی و سیاسی نیشابور در عصر حیری، و جایگاه علمی خود او چگونه است؟ (۲) حیری برای تفسیر آیات از چه مستندات بهره گرفته است؟ (۳) تفسیر حیری از کدام رویکردهای تفسیری برخوردار است؟ این مقاله برای پاسخ به این سؤالات، پس از ارائه برخی مقدمات درباره نیشابور در عصر حیری و نیز معرفی جایگاه علمی او، ذیل دو عنوان اصلی مستندات و رویکردهای تفسیری، به بررسی روش حیری در *کفایة* پرداخته است.

نیشابور در عصر حیری

مقدسی (دح، ۳۸۰) اقلیم خراسان را به چهار بخش تقسیم کرده و ایرانشهر یا همان نیشابور را در بخش اول و در کنار قهستان، هرات

و ابوالقاسم بن حیب (د، ۴۰۶) در لیست خطیب بغدادی دیده نمی‌شود، اما نقل قول‌های این دو، به فراوانی در تفسیر حیری دیده می‌شود. در ذیل برخی استادان حیری که وی در تفسیرش نقل قول بیشتری از آنان داشته است، به اجمال معرفی شده‌اند.

الف) ابوالقاسم حسن بن محمد بن حسن بن حیب (د، ۴۰۶)؛ فارسی وی را با القاب استاد، امام و مفسر کامل ستوده است (صریفینی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۹). او در حوزه علوم و معانی قرآن سرآمد دانشمندان عصر خویش بود و تفسیری داشته که در روزگار خود مشهور بوده است. وی همچنین دارای تصانیفی در قرائات، ادبیات و شعر است. گفته‌اند علم زیادی به واسطه او در نیشابور منتشر شده است (یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۹۶). ثعلبی نیز همچون حیری یکی از شاگردان خاص ابن حیب است و تفسیر ابن حیب را در شمار منابع خود آورده و آن را بارها سماع کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۸۳).

ابوالقاسم در آغاز کرامی مذهب بود و سپس به مذهب شافعی گرایید (یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۹۶). نقل فراوان حیری از ابن حیب نشان از تأثیرپذیری فراوان تفسیر او از تفسیر ابن حیب دارد (برای نمونه، ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۵ الف، ۸، ۲۶، ۱۲۹ الف). استفاده گاه به گاه از او ترکیب «شنیدم استاد ابن حیب می‌گوید: ...» (ر.ک: حیری، بی تا - ب، ورق ۱۲۹ الف) نشان می‌دهد که حیری در مجلس درس ابن حیب حضوری مداوم داشته است.

ب) ابوعبدالرحمن محمد بن حسین بن محمد سلمی؛ یکی از دانشمندان متصوفه است که سنن، تفسیر و اخبار صوفیان را به نگارش درآورد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۲). نگاهشده‌های وی در تصوف را بیش از صد اثر ذکر کرده‌اند (صریفینی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸). وی بیش از چهل سال به امل و کتابت حدیث مشغول بود و در نیشابور، مرو، عراق، و حجاز حدیث نوشت (ذهبی، ۲۰۰۳، ج ۹، ص ۲۰۹). سلمی نیز همچون ابن حیب استاد مشترک حیری و ثعلبی است (ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۹۶). ثعلبی تمام این تفسیر را بر مؤلف آن قرائت کرده و مؤلف قرائت او را تأیید کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۸۳).

ج) ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی (د، ۴۰۶) فقیه و متکلم؛ از اصفهان به عراق و سپس به ری رفت. آن گاه به درخواست مردم نیشابور به آنجا کوچ کرد و در نیشابور مدرسه‌ای بنا کرد، او نزدیک به صد اثر داشته است. وی با عقاید ابوعبدالله کرام به شدت مخالف بود (ذهبی، ۲۰۰۳، ج ۹، ص ۱۰۹). ابن فورک در نیشابور شاگردان زیادی را در حوزه علم کلام تربیت کرد (ابن نقطه، ۱۴۰۸ق، ص ۶۰). اقوال تفسیری او در کفایة التفسیر نیز بیشتر وجهه کلامی دارد (ر.ک: حیری، بی تا - ب،

و طوس نام برده است (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱۳). طبق گزارش وی، غالب اقلیم خراسان بر مذهب حنفی بوده‌اند. جز چند شهر از جمله نیشابور که مذهب شافعی در آنها رواج بیشتری داشته است. نیز وی از حضور کم و بیش معتزله، شیعه و کرامیه در نیشابور خبر داده است (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۳).

آغازین سال‌های دوره زندگی حیری و ثعلبی، با اواخر دوره سامانیان مصادف است. عصر سامانیان، از نظر علمی و سیاسی، برای نیشابور دوره‌ای پرشکوه بود. با برافتادن سامانیان، محمود غزنوی (د، ۴۲۱) حکومت خراسان را به دست گرفت (ر.ک: کرم همدانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۰ و ۱۸۱). سلطان محمود چهل سال حاکم خراسان بود. توجه وی به علم و اکرام علماء و حمایت از آنان باعث رشد علم در دوره حکومت وی شد (ر.ک: صریفینی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۷). در سال ۴۳۱ق سلجوقیان بر سپاه سلطان مسعود غزنوی پیروز شدند و فرمانروایی غزنویان در خراسان پایان یافت (کرم همدانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۱).

در رابطه با وضعیت شهر نیشابور از نظر علم و کثرت دانشمندان در قرون متقدم، مورخان بسیاری قلم فرسوده‌اند. ساکنان این شهر علاوه بر علمای ایرانی تبار، دانشمندی از نقاط مختلف جهان اسلام بودند که به علت شهرت علمی به این دیار مهاجرت کرده بودند (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱۵). از این رو، تعجبی نیست اگر بدانیم زمانی که خطیب بغدادی (د، ۴۶۳) بین سفر به مصر و اخذ حدیث از ابن نحاس، و سفر به نیشابور مردد بود. برقانی به او توصیه کرد که برای علم‌اندوزی به نیشابور سفر کند؛ چراکه در مصر تنها به ابن نحاس دست خواهد یافت و در نیشابور به جماعتی از علما (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۲۲).

استادان و شاگردان حیری

خطیب بغدادی در یادکرد استادان حیری، به این افراد اشاره داشته است: ابوطاهر محمد بن فضل بن محمد بن اسحاق بن خزیمه (د، ۳۸۷)؛ ابوالحسن احمد بن ابراهیم عبّودی، حسن بن احمد مَخَلدی، احمد بن محمد بن اسحاق انماطی، احمد بن محمد بن عمر خفاف (د، ۳۹۵)؛ ابو الحسن ماسرجسی (د، ۳۸۴)؛ محمد بن عبدالله بن حملون (د، ۳۹۰)؛ محمد بن احمد بن عبدوس منزکی، ابوبکر جوزقی (د، ۳۸۸)؛ ابوعلی زاهر بن احمد سرخسی (د، ۳۸۹)؛ ابوالهیثم محمد بن مکی کُشمیهنی (د، ۳۸۹)، که از او صحیح بخاری سماع کرده است؛ ابوالفضل محمد بن حسین حدادی مروزی، ابونعیم عبدالملک بن حسن اسفراینی (د، ۴۰۰) و ابوعبدالرحمن سلمی (د، ۴۱۲) (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۳۱۷). گرچه نام ابوبکر بن فورک (د، ۴۰۶)

نام این اثر در فهرست‌هایی که مؤلف از آثار خود ارائه داده نیامده است. در نتیجه می‌توان گفت که احتمالاً این اثر متأخر از دیگر آثار اوست، همچنین لقب «ضریب» در اسناد پیش گفته نشان می‌دهد که حیری در زمان املاء این تفسیر نابینا بوده است، و این به احتمال زیاد مصادف با دههٔ انتهایی عمر وی و زمان علم‌آموزی ابن زنجویه نزد اوست. ابن زنجویه در سال ۴۰۳ متولد شده است. در نتیجه، اگر در هنگام تقریر تفسیر حیری دست کم هفده ساله بوده باشد، تفسیر را بین سال‌های ۴۲۰-۴۳۰ از حیری دریافت کرده است. با این توضیحات روشن است که مؤلف، تفسیر را بعد از نگارش چندین اثر در زمینه‌های گوناگون علمی و آن‌گاه که شخصیت علمی او ثبات قابل توجهی یافته، تألیف کرده است.

نسخه‌های مخطوط این تفسیر براساس *الفهرس الشامل للتراث العربی* این موارد است:

- کتابخانه آستان قدس رضوی؛ یک نسخه ناقص، از سورهٔ

«مریم» تا آخر سورهٔ «یس» با عنوان «کفایة التفسیر»؛

- کوپریلی؛ دو نسخه مکمل با عنوان «کفایة التفسیر»؛

- جامع کبیر صنعاء؛ یک نسخه از «أل عمران» تا آخر قرآن با عنوان «التیسیر فی التفسیر»؛

- دانشگاه استانبول؛ یک نسخه با عنوان تفسیر النیسابوری «کفایة التفسیر»؛

- کتابخانه العمومیة؛ یک نسخه با عنوان «تفسیر الکفایة» (الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۹۴).

از میان نسخه‌های پیش گفته، نسخه کوپریلی و نیز آستان قدس رضوی منبع پژوهش حاضر بوده، که در ادامه معرفی شده‌اند:

نسخهٔ کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره ۱۳۷۷؛ این نسخه ۲۶۵ برگ دارد و مشتمل بر تفسیر سوره‌های «مریم» تا «یس» است؛ در نتیجه، این نسخه کمینه سه تا چهار جلد بوده است. نسخه در سال ۵۰۶ هـ توسط/حمیدین حسین کتابت شده و به جهت نزدیکی زمان کتابت با زمان تألیف، ارزش زیادی دارد. خط نسخه خواناست و توضیحات اندکی بر حواشی صفحات آن دیده می‌شود، گرچه این نسخه تنها هجده سوره از قرآن را پوشش می‌دهد، اما نزدیکی زمان نگارش آن به زمان نگارش تفسیر، همچنان آن را مهم و قابل توجه نگاه داشته است.

نسخهٔ کتابخانه کوپریلی ترکیه با شماره ۱۴۵؛ این نسخه ۳۳۵ برگ دارد و از ابتدای سورهٔ «حمد» تا انتهای سورهٔ «کهف» را دربر می‌گیرد، نگارش نسخه در سال ۷۴۸ توسط مشرف‌بن عمر بن

اوراق ۱۳۳، الف، ۱۳۴ الف، ۲۴۰ الف). حیری گاه با تعبیر «استاد ابن فورک می‌گوید» نقل قول از او را آغاز کرده است (حیری، بی‌تا - ب، اوراق ۱۳۴، الف، ۱۳۵ الف). تفسیر ابوبکر بن فورک یکی از منابع تفسیری ثعلبی نیز هست (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱ ص ۸۳).

کتاب تراجم تنها به سه نفر از شاگردان حیری اشاره کرده‌اند: ابوبکر/حمیدین علی مشهور به خطیب بغدادی (د، ۴۶۳). که علاوه بر اینکه صحیح بخاری را در سه نوبت بر حیری قرائت کرده (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۳۱۷). در آثارش نیز بسیار از او نقل قول کرده است (برای نمونه، ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۴۳؛ ج ۲، ص ۱۸۰؛ ج ۳، ص ۲۴۷). ابوسعید مسعود بن ناصر بن ابی زید سجزی (د، ۴۷۷) و ابوبکر/حمیدین محمد بن محمد بن محمد بن زنجویه زنجانی (۴۰۳-۵۰۰) که تفسیر حیری را با سماع از خود او به نگارش درآورد (سلفی، بی‌تا، ص ۵۱).

الکفایة فی التفسیر

یکی از مهم‌ترین آثار حیری، تفسیر اوست، این تفسیر در کتب تراجم بیشتر به *الکفایة فی التفسیر* شناخته است؛ ولی در نسخ خطی موجود از آن، نام *کفایة التفسیر* ثبت شده است. در نسخه‌های این تفسیر نقل نظر شخصی حیری با عباراتی چون «قال اسماعیل الضریب...» (حیری، بی‌تا - ب، اوراق ۱۹، الف، ۱۳۷، الف، ۱۶۸؛ همو، بی‌تا، ج، ورق ۲۷۴ الف؛ همو، بی‌تا - الف، اوراق ۱۰۳، الف، ۱۱۰، الف، ۱۲۶) و یا «قال الأستاذ اسماعیل الضریب...» (حیری، بی‌تا - ب، اوراق ۱۴، الف، ۱۳۸؛ همو، بی‌تا - ج، ورق ۲۷۲ الف) آغاز شده است که نشان می‌دهد این تفسیر تقریر شاگرد اوست، این فرد همان ابن زنجویه است که چنان‌که گذشت، تفسیر حیری را با سماع از خود او به نگارش درآورده است. سند دیگری در نسخهٔ شمارهٔ ۱۴۵ کوپریلی، بر صحت این احتمال تصریح دارد: «اخرنا الشیخ الفقیه ابوبکر احمد بن محمد الزنجوی قال انا الاستاذ ابوعبدالرحمن اسماعیل بن احمد الضریب قال انا الاستاذ ابوالقاسم الحسین بن محمد بن حبیب...» (حیری، بی‌تا - ب، ورق ۲۴۶). این سند نشان می‌دهد نسخه با تقریر ابن زنجویه به دست ما رسیده است. طبق سندی دیگر، ابن زنجویه علاوه بر سماع، این تفسیر را نزد حیری قرائت کرده و قرائتش مورد تأیید وی قرار گرفته است: «قال انشدنی الأستاذ الامام ابوعبدالرحمن اسماعیل بن احمد الضریب بقرائتی علیه فأقر به قال أنشدنا الامام ابن حبیب...» (حیری، بی‌تا - ج، ورق ۲۷۴ الف؛ همو، بی‌تا - الف، ورق ۱۶۹).

اللّه» (نور: ۳۷) را نظیر آن شمرده، که ذکر در آن به معنای نمازهای یومیه است (حیری، بی تا - ج، ورق ۲۱۲ الف). نیز او ذیل آیه «وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (فتح: ۲)، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر را به معنای اعطای نبوت، اسلام، مغفرت، دین و شریعت دانسته و معتقد است پس از تکمیل این نعمت‌ها بود که آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (مائده: ۳) نازل شد (حیری، بی تا - ج، ورق ۲۹۱ ب).

۱-۲-۱. **تعیین مصداق:** برای نمونه، حیری مصداق طعام کلوگیر در «وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ» (مزل: ۱۳) را با توجه به آیه «لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُفُّومٍ» (واقعه: ۵۲)، همان زقوم دانسته است (حیری، بی تا - ج، ورق ۳۷۰ الف). نیز وی در مورد عبارت «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴) که تذکر و خشیت فرعون با لعل بیان شده است. با اعتقاد به اینکه لعل وقتی از جانب خدا بیان شود، وقوعش حتمی است؛ به دنبال مصداق خشیت فرعون گشته و آیه «قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (یونس: ۹۰) را مصداق وقوع آن معرفی کرده است.

۱-۳-۱. **بیان مفردات:** حیری برای تبیین معنای مفردات یک آیه، از آیات دیگر نیز بهره گرفته است. به عنوان مثال واژه «نقدر» در آیه «فَطَلَّنَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء: ۸۷) را با توجه به تقابل میان «ییسط» و «یقدر» در آیه «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ» (رعد: ۲۶) به معنای فقر و تضییق رزق دانسته است (حیری، بی تا - الف، ورق ۵۳ الف). همچنین در آیه «فَتَلَّكَ لَبِؤُسُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا» (نمل: ۵۲) ظلم را با توجه به آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (انعام: ۸۲) به معنای شرک دانسته است (حیری، بی تا - الف، ورق ۱۴۲، ب). گرچه مقصود از ظلم در آیه اخیر نیز چندان روشن نیست، اما گویا حیری از تقابل آن با ایمان، معنای شرک را دریافته است.

۱-۲. اخبار و احادیث

احادیث یکی از مستندات حیری در **الکفایة** را تشکیل داده است. گرچه بسیاری از این موارد بدون ذکر سند است، اما در موارد زیادی در نقل روایات پیامبر ﷺ سند را به‌طور کامل آورده است (برای نمونه، رک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۱۴، ب، ۱۶ الف). او گاه روایات امام علی علیه السلام صادقین علیهم السلام و امام رضا علیه السلام را نیز با سند کامل خود از طریق اهل سنت نقل کرده است (رک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۵الف، ۸ب). علاوه بر این، حیری به اخباری از صحابه و تابعان نیز استناد کرده است. کارکرد این نقل‌ها در تفسیر حیری متنوع است که برخی از مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود:

عیسی بن محمد رودباری به اتمام رسیده است. متن تفسیر با دست خطی مشابه با ترقیمه انتهایی کاتب، حاشیه‌نویسی شده که تقریباً تمام کادر اطراف برگه‌ها را پر کرده است.

نسخه کتابخانه کوپریلی ترکیه با شماره ۱۴۶؛ این نسخه نیمه دوم نسخه ۱۴۵ کوپریلی است، ۴۲۰ برگ دارد و تفسیر سوره‌های «مریم» تا «ناس» را دربر گرفته است. طبق ترقیمه صفحه پایانی، این نسخه در هجده صفر سال ۷۱۲ توسط *احمد بن دانیال بن سلیمان بن یحیی* به کتابت درآمده و فاقد حاشیه نویسی است. کامل بودن این دو نسخه مکمل، نقص نسخه آستان قدس را جبران می‌کند.

روش‌شناسی کفایة التفسیر

کفایة التفسیر به شیوه‌ای مزجی نگاشته شده و مشتمل بر تفسیر همه آیات قرآن است. سرآغاز تفسیر هر سوره را مطالبی در رابطه با مکی یا مدنی بودن سوره و تعداد آیات و کلمات و حروف آن و در موارد اندکی ترتیب نزول سور تشکیل داده است (برای نمونه، رک: حیری، بی تا - الف، ورق ۱۷ ب). حیری گاه در انتهای هر سوره نیز مجدداً مکی یا مدنی بودن سوره را یادآور شده است. در یک نمونه نادر، او سوره «حج» را در ابتدای سوره مکی خوانده، و قول ضعیفی را مبنی بر مدنی بودن آن به جز آیه ۵۲ را نقل کرده است (حیری، بی تا - الف، ورق ۵۷ الف). اما در انتهای سوره تمام آن را مدنی دانسته است (حیری، بی تا - الف، ورق ۷۱ ب). این تضاد، با افسانه موسوم به غرانیق که ذیل آیه ۵۲ این سوره نقل شده بی‌ارتباط نیست، گویا مفسر قصد داشته است بار دیگر بر بطلان افسانه غرانیق که براساس صورت منقولش می‌بایست در مکه رخ داده باشد، تأکید کند، برخلاف ثعلبی (رک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳ ص ۲۴۱و ۲۴۲؛ ج ۴ ص ۵). حیری به ذکر احادیث فضائل سور در مقدمه تفسیر هر سوره توجهی نشان نداده است.

۱. مستندات تفسیری

۱-۱. قرآن

حیری برای تفسیر یک آیه، از دیگر آیات به عنوان یک منبع و مستند غافل نبوده است. استفاده‌های او از آیات دیگر متنوع است. برای نمونه:

۱-۱-۱. **تبیین مجملات:** رفع اجمال آیه با استفاده از دیگر آیات، یکی از شیوه‌های استناد حیری به آیات است. برای نمونه، ذیل آیه «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي» (ص: ۳۲) مقصود از ذکر را نماز دانسته و آیه «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ

حدیثی را با طرق و اسانید متفاوت در تفسیر یک آیه تکرار کرده است (ر.ک: عباس، ۲۰۰۸، ص ۱۱۲-۱۱۸).

۱-۳. آراء تفسیری

حیرری به وفور از آراء تفسیری صحابه و تابعان بهره برده است. غالب این موارد بدون ذکر سند است (برای نمونه، ر.ک: حیرری، بی تا - ب، اوراق ۶الف، ۷الف، ۱۸الف، ۲۲الف، ۱۴ب). بسیار می شود که وی چند قول ذیل یک آیه بیان کند و ترجیحی بین آنها نداشته باشد؛ برای نمونه، ذیل آیه «الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفُرْدُوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مؤمنون: ۱۱) اقوال عکرمه، سُدی، مجاهد و غیر آنها را بدون اظهار نظر نقل کرده است (حیرری، بی تا - الف، ورق ۷۳الف). اما معمولاً در آیاتی که وجهه کلامی دارند، بیان او در نقل دیدگاه های مخالف به گونه ای است که مسلک اشعری اش را به نمایش می گذارد، در این موارد، علاوه بر نقل اقوال، دیدگاه خودش را نیز بیان می کند.

یکی از کاربردهای آثار صحابه و تابعان در تفسیر حیرری، بیان مفردات آیات است؛ برای نمونه، در آیه «زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ» (نمل: ۴) واژه «يعمهنون» را به نقل از ابن عباس، مجاهد و مقاتل به ترتیب به معانی «يعمون»، «يتحیرون» و «يترددون» دانسته است (حیرری، بی تا - الف، ورق ۱۳۳، ب). نیز وی «انتبذت» در آیه «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَّبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» (مریم: ۱۶) را بر مبنای اثری از قتاده، به معنای «انفردت» دانسته است (حیرری، بی تا - الف، ورق ۷، الف).

مؤلف گاه به آراء تفسیری هم عصران خود و یا دیگر مفسران استناد کرده است. در این موارد، غالباً به ذکر نام آنها بسنده کرده و از منبع مکتوبی نام نبرده است (برای نمونه، ر.ک: حیرری، بی تا - ب، اوراق ۱۴ب، ۲۲ب، ۱۳۰الف، ۱۳۳ب، ۱۶۹الف). این برخلاف ثعلبی است که در مقدمه تفسیرش، نام منابع متقدم و معاصر خود، و سندش به آنها را ذکر کرده است (ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۵-۷۵).

در برخی موارد، نقل آراء تفسیری با عبارت «قال اهل المعانی» آغاز شده است. چنان که ابن صلاح در مورد کاربرد اهل المعانی در کتب تفسیر گفته است. مقصود از اهل معانی، صاحبان کتب معانی القرآن هستند (زرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۲۹۱). مطالبی که حیرری از این گروه نقل می کند نیز مؤید همین برداشت است (حیرری، بی تا - الف، اوراق ۱۳۶ب، ۶۲الف). او گروه دیگری از مراجع خود را نیز به صورت کنایی و با عبارت «أهل الحقائق» مورد اشاره قرار داده است. مضامینی که وی از این گروه نقل کرده، معانی عبارات یا

۱-۲-۱. بیان مضامین تاریخی: استفاده از روایات برای تبیین وجوه تاریخی آیه همچون مکی و مدنی بودن آیه و نیز یادکرد سبب نزول آیه در اثر حیرری فراوان است (برای نمونه، ر.ک: حیرری، بی تا - ج، ورق ۶۱ع، ورق ۶۵ع).

۱-۲-۲. تبیین مبهمات آیه: برای نمونه، وی در مورد «فِي يَبُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور: ۳۶) با ذکر حدیثی از امام صادق علیه السلام این بیوت را «بیوت النبی صلی الله علیه و آله» دانسته است (حیرری، بی تا - ج، ورق ۷۴ب).

۱-۲-۳. بیان مراد آیه: حیرری در برخی موارد، در تبیین مراد و مقصود آیه، به روایات استناد کرده است. برای نمونه، ذیل آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (روم: ۴۱) به نقل از مجاهد، مراد از فساد در خشکی را کشته شدن هاییل توسط برادرش قایلیل، و مراد از فساد در آب را ماجرای غصب کشتی توسط پادشاه در داستان حضرت موسی علیه السلام عنوان کرده است (حیرری، بی تا - الف، ورق ۱۹۴، ب). همچنین وی در رابطه با «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) به نقل از مقاتل، مراد آیه را میثاق مطرح شده در آیه «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف: ۱۷۲) دانسته است (حیرری، بی تا - الف، ورق ۱۹۳، الف).

۱-۲-۴. تفصیل مجملات: این مورد بیشتر در رابطه با آیات قصص مشاهده می شود؛ مانند بیان جزئیات «دابة الارض» (حیرری، بی تا - الف، ورق ۱۴۶، الف) و نیز ذکر جزئیات سپاه حضرت سلیمان علیه السلام به روایت مقاتل ذیل آیه ۱۷سوره «نمل» (حیرری، بی تا - الف، ورق ۱۳۵، ب). حیرری غالباً در نقل اخبار ذیل آیات مرتبط با بنی اسرائیل، نسبت به میزان نقل اخبار در دیگر آیات، به تفصیل گراییده است (ر.ک: حیرری، بی تا - ب، اوراق ۱۳ب، ۱۱۰الف).

برخی از اخباری که حیرری به عنوان سبب نزول و یا تفسیر آیات گزارش کرده است، ضعیف یا اسرائیلیات هستند (حیرری، بی تا - ب، ورق ۱۴الف). وی گاه به نقد این اخبار روی آورده است. برای نمونه افسانه غرانیق را نقل کرده و در قولی از ابن فورک آن را به سبب عصمت انبیاء صلی الله علیه و آله غیرممکن دانسته است. حیرری در ادامه به دلیل عصمت انبیاء صلی الله علیه و آله، صحیح ترین تفسیر آیه را این دانسته است که شیطان در میان قرائت نبی اکرم صلی الله علیه و آله عباراتی را به فریاد گفته است و مؤمنان و کافران آن را کلام پیامبر صلی الله علیه و آله پنداشته اند، وی در انتهای تفسیر آیه نیز بر اینکه این القاء شیطانی در قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله راه ندارد، تأکید کرده است (حیرری، بی تا - الف، ورق ۶۷الف و ب).

ثعلبی نیز همچون حیرری در تفسیر خود استناد زیادی به روایات داشته است، به گونه ای که طبق قول مشهور، تفسیر وی در زمره تفاسیر روایی دسته بندی شده است. او گاهی حتی یک مضمون

الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳) (حیری، بی تا - الف، ورق ۱۸ الف). جز آنچه از طریق این تفسیر به دست رسیده است. نقل های دیگری از حیری در فضیلت اهل بیت علیهم السلام در دست است. برای نمونه، خطیب بغدادی در تاریخ خود به نقل از حیری روایتی از انس بن مالک را گزارش می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوبزره/اسلمی فرمود: «خداوند درباره علی بن ابی طالب علیه السلام با من پیمانی محکم بسته است. علی علیه السلام پرچم هدایت و ایمان و امام اولیاء من و نور همه کسانی است که از من اطاعت می کنند، علی علیه السلام در قیامت همراه من و پرچمدار من خواهد بود...» (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۱۵۰).

آیات دارای وجهه کلامی، مورد توجه ویژه حیری بوده است. این مسئله، بی ارتباط با ظهور کرامیه در خراسان و فعالیت گسترده آنها در نیشابور نیست، کرامیه بعد از منزلت یافتن نزد سبکتکین و محمود غزنوی، قدرتمندتر شدند و این مسئله علمای دیگر مذاهب را نگران می ساخت (بوزورت، ۱۳۶۷، ص ۱۳۱). بر همین اساس می توان گفت دعوت مردم نیشابور از متکلمی چون ابن فورک (ر.ک: ابن نقطه، ۱۴۰۸ق، ص ۶۰) نیز به همین دلیل بوده است. نقل قول های حیری از ابن فورک نیز چنان که گذشت، بیشتر در آیات کلامی بوده است. وی در جایی آورده است: «ابن فورک گفت: نزد سلطان محمود بودم و با او مناظره می کردم که گفت: چه دلیلی وجود دارد بر اینکه خدا در مکان قرار ندارد؟ گفتیم: مگر خدای متعال نفرموده «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص: ۴) یعنی شبیه و مثلی ندارد؛ نیز گفته است: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱؛ حیری، بی تا - الف، ورق ۱۱۳ الف). این نقل به خوبی نشان دهنده جنس مناظرات علمی اشاعره و کرامیه در آن دوران و تلاش علمای نیشابور در نفی عقاید کرامیه بخصوص تشبیه و تجسیم است.

یکی دیگر از دغدغه های علمای اشعری مسلک آن روزگار، پاسخ به دیدگاه های معتزله بود، در این تفسیر نیز یادکرد نظر معتزله و نقد آن به دفعات دیده می شود. برای نمونه، ذیل آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵)، حیری بحث کلامی مفصلی در رابطه با معنای استوای خداوند مطرح می کند و دیدگاه اشاعره و معتزله را بیان می دارد، وی نظر معتزله که استواء را به معنای استیلاء و غلبه می دانند، رد کرده و دیدگاه اشعری و فراء را تأیید می کند، که استوای بر عرش را به معنای رو آوردن به خلقت آن دانسته اند (حیری، بی تا - الف، ورق ۱۸ الف). همچنین وی ذیل آیات «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ، إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت: ۲۲ و ۲۳) بعد از نقل دیدگاه معتزله که آیه را به معنای «الی ثواب ربها ناظره» دانسته اند و طبق آن در آیه اضممار وجود دارد، اضممار را بی دلیل خوانده و «نظر» را به معنای رؤیت

تبیین مقصود آیه است (حیری، بی تا - الف، اوراق ۱۱۳ الف، ۱۵۵ الف، ۲۵۶ب). گاه آن را در کنار «اهل معانی» قرار داده (حیری، بی تا - الف، اوراق ۱۳۶ب، ۱۴۰ الف) و گاه بعد از طرح یک شبهه از قول ملحد و اهل الحاد، پاسخ را از اهل حقائق آورده است (حیری، بی تا - الف، اوراق ۸۴ب، ۱۳۷ب). با توجه به کاربردها، ظاهراً مقصود او از اهل الحقائق، مفسران هستند.

بررسی بیشتر تفسیر حیری، نشانی از استفاده او از داده های علم تجربی ندارد و البته این مسئله با توجه به فضای گفتگامی عصر او، عجیب نیست. نیز باید توجه داشت که او عقل را بیشتر به صورت ابزاری و در راستای بهره گیری هرچه بیشتر از سایر مستندات مورد استفاده قرار داده است.

۲. رویکردهای تفسیری

مداومت حیری بر تفصیل بحث در برخی موضوعات، نشان دهنده رویکرد ویژه او به این موضوعات است که مهم ترین آنها در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. توجه ویژه به مسائل کلامی

حیری اهل سنت و اشعری مسلک است. او این عقیده را در خلال نقل و نقد نظرات معتزله آشکار کرده است. نیز وی خود را جزو اهل سنت و جماعت می داند؛ چراکه بعد از یادکرد تقسیم خلائق به هفتاد و دو ملت، فرقه ناجیه را اهل سنت و جماعت معرفی کرده است (حیری، بی تا - ب، ورق ۶ الف). حیری همانند دیگر اهل سنت، به نقل روایات نشان دهنده فضایل خلیفه اول پرداخته است (ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۱۱۵ الف و ۲۲۹ب تا ۲۳۱ الف)، اما متعصبانه برخورد نکرده و از نقل روایات مربوط به فضائل اهل بیت علیهم السلام نیز رویگردان نبوده است. برای نمونه، او ذیل «وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (فتح: ۲) قولی را مطرح کرده است که طبق آن، مقصود از صراط مستقیم علی بن ابی طالب علیه السلام است (حیری، بی تا - ج، ورق ۲۹۱ب). نیز ذیل آیه «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» (یس: ۲۰) روایت ابن ابی لیلی از پیامبر صلی الله علیه و آله را آورده است که می فرماید: «صدیقان، سه نفر هستند: حبیب نجار مؤمن آل یاسین، حزقیل مؤمن آل فرعون و نفر سوم و افضل آنها علی بن ابی طالب است» (حیری، بی تا - الف، ورق ۲۶۸ب). نیز او نقل کرده است: «از جعفر صادق علیه السلام در رابطه با معنای (طه) پرسیده شد و او گفت: خداوند به طهارت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله سوگند خورده است و آن گاه قرائت کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلًا

بصری دانسته است (حیری، بی تا - ج، ورق ۳۷۷ الف).

از دیگر آراء کلامی معتزله که مورد هجمه سخت حیری قرار گرفته، اعتقاد به مخلوق بودن قرآن است. او به هنگام تفسیر آیه «مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٌ» (انبیاء: ۲). دیدگاه معتزله در رابطه با مخلوق بودن قرآن را بیان کرده و به منظور مردود شمردن این دیدگاه که مصداق ذکر قرآن باشد، مقصود از آن را پیامبر دانسته است (حیری، بی تا - الف، ورق ۳۹ الف). وی در جایی دیگر اعتقاد به مخلوق بودن قرآن را کفر دانسته (حیری، بی تا - ب، ورق ۱۶۹ الف) و برای اثبات مخلوق نبودن کلام الله به ارائه دلیل پرداخته است (حیری، بی تا - ب، ورق ۲۳۱ الف).

منبع در نظر داشته است. *ابوحیان* در مجموع هشت بار از تفسیر حیری با مطلع «قال اسماعیل الضریب» مطالبی را نقل کرده است (ر.ک: *ابوحیان اندلسی*، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۵۹۱، ۶۰۲، ۶۲۷، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۴۷ و ۶۵۳). این موارد در زمینه مسائل ادبی و بخصوص معانی و مراد الفاظ است. اما از آنجاکه تمام این نقل ها محدود به آیاتی از سوره «انعام» است. احتمالاً وی تنها بخشی از تفسیر حیری را در دست داشته است. به هر حال این مسئله نشان دهنده جایگاه ادبی *الکفایه* نزد اوست، چه اینکه نشان می دهد آوازه تفسیر *اسماعیل* *ضریب* تا مصر اقامتگاه *ابوحیان* رسیده است.

۲-۳. توجه به اختلاف قرائات

در غالب مواردی که کلمه‌ای دارای اختلاف قرائت بوده است. حیری قرائات مختلف را همراه با حجت و معنای هریک بیان کرده، به گونه‌ای که یادکرد قرائات به یکی از جلوه‌های بارز تفسیر او تبدیل شده است (ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۲۰، ۱۱۰، ۱۳۰ ب). این رویکرد، از سویی متأثر از جایگاه این علم در جامعه علمی نیشابور است، چنان که مقدسی در توصیف وضعیت علمی نیشابور، از مجلس بزرگان شهر نیشابور خبر داده است که قراء در آن جمع شده و از بامداد تا برآمدن آفتاب قرائت می کرده‌اند (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۸). از سوی دیگر، متأثر از تخصص او در علم قرائات است که از منابع تراجم و نیز فهرست آثار او نیز پیداست. وی به نقل اختیار *ابوعبید* و *ابوحاتم* نیز توجه داشته (ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۲۱، ۱۱۲ الف، ۱۲۹ ب، ۱۳۳ الف) که این مؤید رواج این دو اختیار قرائی در خراسان سده چهار هجری است. حیری گاه بعد از نقل برخی قرائات آنها را شاذ شمرده است (ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۱۰۹، ۱۱۲ الف؛ همو، بی تا - ج، اوراق ۶، ۸۷ الف).

۲-۴. یادکرد آراء فقهی

حیری ذیل آیات فقهی به نقل آراء روسای مذاهب بخصوص شافعی و ابوحنیفه روی آورده است. وی که خود شافعی مذهب است، معمولاً از نقل دیدگاه شافعی فروگذار نکرده است (ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۲۷، ۲۸ الف، ۱۰۷، ۲۳۴ الف). گاه نیز *نظر ابوحنیفه* را در مرتبه دوم ذکر کرده است (ر.ک: حیری، بی تا - ب، اوراق ۲۴ الف، ۲۷ ب). که گویا به دلیل کثرت حنفیه در خراسان آن دوران است. گاه نیز به نقل گسترده نظر صحابه، تابعان، اهل مدینه و عراق، و رؤسای مذاهب در مورد یک مسئله فقهی روی آورده است (ر.ک: حیری،

۲-۲. توجه به مسائل ادبی

توجه حیری به مسائل ادبی، یکی از نکات برجسته تفسیر اوست، حیری گاه به نقل از دیگران و گاه بدون چنین ارجاعی، به بیان وجوه ادبی آیات پرداخته است. برای نمونه، ذیل آیه «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ» (شعراء: ۳) علت منون بودن «باخع» را عدم وقوع آن ذکر می کند؛ چراکه ذکر آن بدون تنوین و به صورت اضافه به نفس، به معنای وقوع آن در گذشته است (حیری، بی تا - الف، ورق ۱۱۸ ب). نیز در «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا» (طه: ۱۰۵) در رابطه با فاء در «فَقُلْ» می گوید: غالباً در قرآن کریم هر جا عبارت «يَسْأَلُونَكَ عَنِ...» آمده، در جواب آن فاء نیامده است؛ مانند: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» (بقره: ۲۲۰)؛ چراکه در چنین مواردی سؤال از پیامبر قبلاً رخ داده بود، اما در مورد آیه ۱۰۵ سوره «طه»، سؤال مربوط به آینده می شود و تقدیر آیه چنین است: «ان سالوك عن الجبال فقل...» لذا فاء به منزله فاء جواب شرط است مانند: «فَإِنْ جَاءُوكَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ» (مائده: ۴۲).

حیری به ساختمان کلمات و وجه تفاوت کلمات به ظاهر هم معنی نیز توجه داشته است. برای نمونه، در تفاوت میان «صبر» و «اصطبار» ذیل آیه «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم: ۶۵) می گوید: صبر به معنای شکیبایی ورزیدن و اصطبار به معنای دعوت به شکیبایی است (حیری، بی تا - الف، ورق ۱۳ الف)؛ یا به نقل از *ابن حبيب* آورده است: «در عربی غیر از تهلکه مصدری بر وزن تفعلة نداریم، برخی گفته اند اصل آن مهلکه بوده و میم به تاء تبدیل شده است» (حیری، بی تا - ب، ورق ۲۶ ب).

ابوحیان اندلسی (د، ۷۴۵) که خود ادیب است و تفسیر *البحر المحیط* او وجهه‌ای ادبی دارد، تفسیر حیری را به عنوان یک

منابع.....

- ابن نقطه، محمد، ۱۴۰۸ق، *التقید لمعرفة رواة السنن والمسائید*، تحقیق کمال یوسف الحوت، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر.
- الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط*، ۱۹۸۹م، عمان، المجمع الملکی لبحوث الحضارة الاسلامیة.
- بوزورت، ادموند، ۱۳۶۷، «ظهور کرامیه در خراسان»، ترجمه اسماعیل سعادت، *معارف*، ش ۱۵، ص ۱۲۷-۱۳۹.
- ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ق، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حیری، اسماعیل، ۱۴۲۲ق، *وجوه القرآن*، تحقیق نجف عرشی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- _____، ۲۰۱۱م، *اسماء من نزل فیهم القرآن*، تحقیق یونس الجبوری، بغداد، دیوان الوقف السنی.
- _____، بی تا - الف، *کفایة التفسیر*، مشهد، آستان قدس رضوی (نسخه خطی).
- _____، بی تا - ب، *کفایة التفسیر*، کوپریلی، ش ۱۴۵، ترکیه، نسخه خطی.
- _____، بی تا - ج، *کفایة التفسیر*، کوپریلی، ش ۱۴۶، ترکیه، نسخه خطی.
- خطیب بقلای، ۱۴۲۲ق، *تاریخ بعلک*، تحقیق بشار عواد معروفه بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- ذهبی، شمس الدین، ۱۴۱۹ق، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- _____، ۲۰۰۳م، *تاریخ الاسلام*، تحقیق بشار عواد، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- زرکشی، بدرالدین، ۱۳۹۱ق، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل إبراهیم، بیروت، دارالمعرفه.
- سلفی، احمد بن محمد، بی تا، *معجم السفر*، تحقیق عبدالله عمر بارودی، مکه، المكتبة التجارية.
- صریفینی، ابواسحاق، ۱۴۱۴ق، *المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نیشابور*، تحقیق خالد حیدر، بی جا، دار الفکر.
- عباس، ندی، ۲۰۰۸م، *ابواسحاق الثعلبی و منهجه فی تفسیر القرآن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خرطوم.
- عباسی، مهرداد، ۱۳۸۴، «ثعلبی و تفسیر او الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، *برهان و عرفان*، ش ۶، ص ۶۵-۹۴.
- کرم همدانی، علی، بی تا، «خراسان»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مقدسی، محمد بن احمد، ۱۴۱۱ق، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، قاهره، مکتبه مدبولی.
- یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، *معجم الأدباء*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الغرب الإسلامی.

Sattar, Muhammad Abdus, 1977, "al-hīr's 'kifāyat al-tafsīr': a rare manuscript on exegesis of the Quran", *Islamic Studies*, N. 16(2), p. 117-130.

Sattar, Muhammad Abdus, 1994, "kifāyat al-tafsīr of Nishapuri: a Rare Manuscript", *Islamic Culture*, LXVIII, N. 1, p. 41-56...

بی تا - ب، ورق ۲۹ الف). این مسئله نشان از تسلط وی به آراء فقهی دارد. در مجموع می توان گفت *الکفایة* از جمله تفاسیر اجتهادی و جامع است. حیری آیات، روایات و نیز اقوال مفسران را به عنوان منبعی برای تفسیر در نظر داشته است، به نقل قرائات مختلف و توجیه آنها توجه ویژه داشته، و ذیل آیات کلامی تفصیل در اظهار نظر را از دست نداده است. اظهار نظرهای حیری و استنباط هایی که او گاه ذیل آیات داشته است، نشان دهنده فراست، تیزی و عدم اکتفای او به نقلیات است.

نتیجه گیری

*الکفایة فی التفسیر اثر اسماعیل بن احمد حیری نیشابوری اثری کهن و ارزشمند از میراث تفسیری نیشابور است. این تفسیر نه تنها به سبب قدمت، بلکه به دلیل جامعیتش، اثری شایسته توجه است. شخصیت علمی جامع حیری که از زندگی نامه وی و نیز عناوینی که خود از کتاب هایش ارائه کرده نیز پیداست، تفسیر او را به تفسیری جامع تبدیل کرده است. با این حال، توجه به مباحث کلامی، ادبی، و قرائات از ویژگی های بارز این اثر است. بازه زمانی تألیف *الکفایة* عصری ممتاز در تاریخ علمی، سیاسی و مذهبی نیشابور است و آثار مدون در این دوره می توانند نمایش دهنده این ویژگی ها باشند، با مقایسه تفسیر حیری (د، ۴۳۱) و تفسیر ابواسحاق ثعلبی (د، ۴۲۷) باید گفت: این دو مفسر هم طبقه و هم دیار بوده و در بسیاری از استادان اشتراک دارند. در نتیجه، منابع مورد استفاده ثعلبی که خود مفسر در مقدمه *الکشف والبیان* از آنها نام می برد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۸۸-۷۵)، اشتراک معناداری با منابع حیری در *کفایة التفسیر* دارند، با اینکه در قول مشهور، *الکشف والبیان* را در دسته تفاسیر روایی جای داده اند، اما روش شناسی این تفسیر بر جامع بودن رویکرد ثعلبی در تفسیر دلالت دارد (عباسی، ۱۳۸۴، ص ۷۴). بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد، شباهت این دو تفسیر و برخی اشتراکات مضمونی در آنها قابل انتظار است.*